



## مصاحبه با استاد ناصر مسعودی خواننده خوش صدای گیلان زمین



- من به خیلی از کشورهای دنیا سفر کردم اما بیشتر از ۲ ماه نتوانستم دوام بیاورم. من عاشق ایران و گیلانم.  
- خیلی از آهنگ‌های قدیمی من که مردم از آنها خاطره دارند، به علت نداشتن سرمایه و اسپانسر برای تبدیل به CD در حال از بین رفتن است.



مرتضی بلوکی

گیلکی من برنده شد. همین طور در محمودآباد مازندران کارهای بنده مورد تشویق قرار گرفت.  
**شما تدریس هم می‌کنید؟**  
خیر. زیاد دوست نداشتم تدریس هم انجام بدهم، ولی کسانی بودند که سوالاتی در زمینه موسیقی محلی و غیره داشته‌اند که با تمام وجود در خدمتشان بودم و اگر کاری بلد باشم در خدمت علاقه‌مندان به موسیقی هستم اما نه به صورت تدریس.

**جایگاه موسیقی‌های سنتی در کشور کجا قرار دارد؟ و نظرتان درباره موسیقی پاپ چیست؟**

ببینید باید نام موسیقی سنتی را حذف کنیم. باید بگوییم موسیقی محلی. موسیقی سنتی برای ۲۰۰ سال پیش بوده در حالی که موسیقی سنتی و محلی با هم ادغام شده. موسیقی محلی بیشتر در مایه‌های دشتی، شور و شوشتری است ولی می‌شود با ابوعطا و افشاری هم سنتی خواند. در مجموع موسیقی محلی به آنچه که باید باشد نرسیده. من با موسیقی پاپ مخالف نیستم خودم در جوانی پاپ می‌خواندم، ولی پاپ با پایه و اساس.

**آیا شما کنسرت خارجی هم داشتید؟**

بله. سال ۱۹۸۹ کنسرتی در فرانسه داشتم. در سال ۱۹۹۴ تور اروپا در ۱۲ کشور اروپایی کنسرت داشتم. مجدداً در سال ۱۹۹۶ در یک گروه که دوستان

رشت می‌آمدم.  
من به خیلی کشورهای دنیا سفر کردم. ولی بیشتر از ۲ ماه نتوانستم دوام بیاورم زیرا کشورم را دوست دارم. رشت زادگاه من است و به این جا عشق می‌ورزم. به هر حال بعد از ۴۷ سال زندگی در تهران دوباره به رشت برگشتم. من سه فرزند دارم دختر بزرگ من ۲۵ سال است که در فرانسه زندگی می‌کند ولی هر بار با من تماس می‌گیرد با این که زبان فرانسه را به خوبی می‌داند، به زبان گیلکی صحبت می‌کند. دختر دومم ۱۹ سال است که در بلژیک زندگی می‌کند و پسر در تهران کارهای مطبوعاتی انجام می‌دهد که البته با موسیقی هم سر و کار دارد.

**آقای مسعودی شما به غیر از شعر و آهنگ گیلانی، فارسی هم خوانده‌اید؟**

بله. من ۵۰ درصد کارهایم گیلکی و محلی و ۵۰ درصد فارسی است. در هر دو مورد توفیق داشتم. با آهنگ‌های فارسی "۱۵ برگ سبز دارم" که از رادیو ایران پخش می‌شد کار موسیقی را شروع کردم. از برنامه گل‌ها، چندین سال کار محلی خواندم خیلی از کارها را خودم ساختم. مثل نم‌نم بارون، بنفشه، که ملودی اینها را خودم ساختم. هنوز هم بیکار نیستم در بعضی از جشنواره‌ها که دعوت می‌کنند، شرکت می‌کنم. پارسال در کنکره موسیقی اصفهان که از ۳۲ استان شرکت کرده بودند یکی از کارهای

استاد ناصر مسعودی از پیشکسوتان عالم موسیقی کشورمان است. مسعودی سال‌ها عمر خود را صرف ساخت، تنظیم و خوانندگی آهنگ‌ها و موسیقی‌های محلی گیلانی و فارسی کرده است. وی معتقد است که در هر دو عرصه ترانه‌های فارسی و گیلکی توفیق داشته است. اما در عین حال او نیز مانند بسیاری از هنرمندان کشور از تکثیر غیرمجاز CD های کارهایش گله‌مند و ناراحت است. باتشکر از آقای کنعانی که امکان این مصاحبه را برایمان فراهم نمودند.

**آقای مسعودی لطفاً خودتان را کامل معرفی نمایید؟**

به نام خدا. ناصر مسعودی هستم و در رشت به دنیا آمده‌ام، حدود ۵ دهه فعالیت موسیقی دارم، زیر نظر استادان بزرگی آموزش دیدم و خدا را شکر الان در سن ۷۲ سالگی هنوز هم آواز می‌خوانم. حدود ۲ سال است که از تهران دوباره به رشت آمده‌ام تا در زادگاهم زندگی کنم.

**شما در رشت فعالیت می‌کردید یا تهران؟**

من ۴۷ سال تهران زندگی کردم. اما هر ماه به

هیچ وقت نتوانستم آلبوم خودم را با پول خودم تهیه کنم. چرا که نه آن زمان و نه الان این پول را ندارم. در حال حاضر کلی از کارهای من مانده و در حال از بین رفتن است، چون سرمایه لازم را برای تبدیل آنها به CD ندارم و کسی نیست که از ما حمایت کند. ما باید اسپانسر داشته باشیم. باید دولت از ما حمایت کند. هنگامی که من به جشنواره‌های مختلف می‌روم از ارگان‌ها یا سازمان‌های مختلف از من دعوت می‌شود و من بدون هیچ گونه چشمداشتی می‌پذیرم، ولی بعداً می‌بینیم همان برنامه به CD تبدیل شده و دلال‌ها سودشان را می‌برند. من و همکارانم درآمدی غیر از این کار نداریم. از مسوولین محترم می‌خواهم با نظارت دقیق‌تر به احوال هنرمندان، بیشتر ما را درک کنند و از کپی‌برداری‌ها و فروش غیر مجاز سی‌دی‌ها جلوگیری کنند. برای من خیلی سخت است که حاصل تلاش ۵۰ ساله‌ام به دلیل نداشتن اسپانسر در حال از بین رفتن است. کارهایی که مردم از آنها خاطره دارند، چه آهنگ‌های گیلکی چه فارسی. همه دارند از بین می‌روند و من منتظر حمایت بشوم تا بتوانم تمام این آهنگ‌ها را به CD تبدیل کنم که از من به یادگار بماند.

با تشکر از نشریه خوبتان



### می‌شناسند؟ چطور شد فارسی هم خواندید؟

من عاشق ایرانم. عاشق گیلانم. به زادگاهم عشق می‌ورزم. همان طور که گیلانی می‌خوانم زبان فارسی هم زبان مادری ماست. فارسی هم خواندم و اتفاقاً خدا را شکر در ترانه‌های فارسی هم توفیق داشتم.

### و کلام آخر؟

من سال‌ها عمرم را در کار موسیقی گذاشتم،

من در آلمان بودند یک کنسرت گیلکی برای ایرانیان عزیز بر پا کردیم. دوباره در ۱۶ کشور اروپایی از جمله آلمان، انگلیس، سوئد، بلژیک، اتریش، هلند و غیره کنسرت داشتم. در سال ۱۹۹۷ در آمریکا برای انجمن گیلانی‌های مقیم آمریکا که در یک دانشگاه بود کنسرت اجرا کردم. در سن خوزه، استان تگزاس نیز کنسرت داشتم.

اکثراً شما را با آهنگ‌های گیلانی

### راهنمای اشتراک

**یک سال، ماهنامه گزارش را دریافت کنید.**

**لطفاً نکات ذیل را در نظر داشته باشید**

- ۱- فرم اشتراک را کامل و خوانا تکمیل کرده و کدپستی را حتماً بنویسید. همراه با برگه واریز وجه به نشانی دفتر مجله پست یا با تعابیر ۸۸۸۳۳۳۴۱ اربابان نمایند.
- ۲- حق اشتراک را الف: به حساب جاری ۱۸۸۸/۱۰ بانک صادرات شعبه گزارش کد ۷۹۰ تهران (قابل واریز در همه شعب بانک صادرات به نام مجله گزارش واریز نمایند).
- ب: به حساب جاری مهر شماره ۱۰۰۳۹۲۰۳۳۰۰۴ به نام ابوالقاسم قلیاف واریز نمایند و اصل فیش بانکی را همراه با برگه تکمیل شده اشتراک به نشانی تهران، صندوق پستی ۵۴۶۷-۱۴۱۵۵ ارسال فرمایند.
- ۳- کپی فیش بانکی را تا زمان دریافت نهمین شماره اشتراک نزد خود نگاه دارید.
- ۴- حق اشتراک خارج از کشور ۳۰ یورو و یا ۲۵ دلار می‌باشد.
- ۵- حق اشتراک یکساله برای مؤسسات دولتی ۶۰۰۰ تومان و برای بخش خصوصی ۵۰۰۰ تومان است و برای دانشجویان ۳۰۰۰ تومان است.
- ۶- حق اشتراک خارج از کشور ۳۰ دلار می‌باشد.
- ۷- در صورت هر گونه تغییر در نشانی، سریعاً دفتر ماهنامه گزارش را در جریان قرار دهید.

### برگ اشتراک ماهنامه گزارش

نام: \_\_\_\_\_

نام خانوادگی: \_\_\_\_\_

نام شرکت یا مؤسسه: \_\_\_\_\_

تلفن: \_\_\_\_\_

تخصصیات: \_\_\_\_\_

نوع فعالیت: \_\_\_\_\_

درخواست اشتراک از شماره: \_\_\_\_\_

و تعداد مورد نیاز از هر شماره: \_\_\_\_\_

نشانی: \_\_\_\_\_

کدپستی: \_\_\_\_\_

صندوق پستی: \_\_\_\_\_

**نشانی مجله: تهران، صندوق پستی ۵۴۶۷ - ۱۴۱۵۵**